

لبخندستان

www.ketab.ir

نویسنده:
بانو بوشهری

سرشناسه: بوشهری، بانو، ۱۳۶۸-

عنوان و نام پدیدآور: لیخندستان/ نویسنده بانو بوشهری.

مشخصات نشر: قم: عصر جوان، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: ۱۲۴ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۳-۱۷۴-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: طنز فارسی -- قرن ۱۴

موضوع: Satire, Persian -- ۲۰th century

رده بندی کنگره: ۸۳۳۵PIR

رده بندی دیویی: ۷/۶۲۸

شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۱۸۹۷۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

شناسنامه

عنوان: لیخندستان
نویسنده: بانو بوشهری
ناشر: انتشارات عصر جوان
نوبت چاپ: اول
تاریخ چاپ: ۱۴۰۰
تیراژ: ۵۰۰
صفحه آرا: استودیو جوانه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۵۳-۱۷۴-۴
قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان



مرکز پخش:

[قم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۶۷
تلفن: ۳۷۷۳۰۰۳۷ - ۰۲۵ همراه: ۰۹۱۳۵۵۲۸۴۸۰]

فهرست

۸	 مقدمه
۱۰	وزیر نیرو: چینی‌ها با یک وعده غذا هم سیرند. ما زیاد می‌خوریم و می‌پوشیم.
۱۱	 ایلدا ماده شیر ایرانی وارد تهران شد.
۱۳	 تیتزر خبر: واسطه‌گری شینزوآبه از ژاپن برای روابط ایران و آمریکا
۱۵	 واکسن خواری
۱۷	 چند شغلی یا مدرک جعلی
۱۹	 کودک درون
۲۱	 سلطانینون
۲۳	 سولوگامی
۲۵	 کشور شناسی
۲۶	 فویا
۲۷	 کلینیک زیبایی
۲۹	 م. منشی در ایران
۳۰	 فیشینگ
۳۱	 منسا (موسسه جهانی تیزهوشان)
۳۲	 ملت همیشه در صف
۳۴	 مهاجرت
۳۶	 پسا کرونا
	دیگه نوشتن از کرونا و گرونی و مجلس و این مسئول و اون وزیر، جواب که نمیده
۳۸	 هیج، نازه سوال می‌پرسه.
۴۰	 تیتزر خبر: منتظر ریزش ملخ‌ها باشید.
۴۱	 مسکن بیست و پنج متری
۴۳	 وزیر نیرو: همچون پدرانمان با بی‌آبی سازگار باشیم.
۴۵	 استفاده بهینه
۴۷	 امید داشتن
۴۹	 شوخی با مشاهیر

۵۱	طنزدرمانی
۵۳	تعطیلات عید را چگونه گذراندید؟
۵۵	وام یک میلیونی
۵۷	سرانه‌ی مطالعه
۵۹	گالوپ
۶۰	شوخی طبیعی
۶۲	حذف دختران از روی جلد کتاب درسی
۶۴	خودباوری
۶۵	جشن تولد قبرستان
۶۷	ازدواج اجباری
۶۸	شتردرمانی
۷۰	تخم مرغ
۷۲	طاعون خیاباری
۷۴	کاخ سفید
۷۶	تغذیه
۷۸	رک گویی
۸۰	تیتیر خبر: اختلافات فرهنگی در صدر طلاق‌های توافقی
۸۲	آشفته بازار
۸۴	کابینت‌سازی ما ایرانی‌ها
۸۶	تیتیر خبر: پوشک همچنان می‌نازد
۸۸	پیام وزیر ارتباطات به مناسبت روز دانشجو: جوانی کنید
۹۰	رئیس اتحادیه میوه و تره‌بار: با نخوردن «آنار» مشکلی به وجود نمی‌آید
۹۲	شکار
۹۳	وزیر صنعت: کیفیت و قیمت خودروی ایرانی در شأن مردم ایرانی نیست
۹۵	وزارت بهداشت: نواختن سوت قطار به مناسبت روز پرستار
۹۷	حالِ ل
۹۹	مصاحبه
۱۰۱	قبضه شدن
۱۰۳	پیامک وزارت بهداشت

مقدمه

طنز در نگاه اول، نقطه مقابل جدی بودن است. ولی نه به معنای جدی نگرفتن است. به زعم نگارنده طنز شکل حقیقی و شاید کمی نرم و لطیف نقد باشد. طنزنویس می‌کوشد سوژه را با نگاهی ظریف و با قلم ملاحظت‌گونه خویش به چالش بکشد. که اساساً رسالت طنزهای رسانه‌ای مکتوب هم نمی‌تواند چیزی جز این باشد.

طنزنویس خوب پیش از هر کسی آگاه است که گرایش مقوله‌ی طنز به سیاست اتفاقی است که نه از سر اختیار و یا به شوخی گرفتن و از بین بردن قبح کنش‌های سیاسی است.

دست‌مایه قرار دادن سیاست و سیاسیون در قالب جذاب و اغواگر طنز بیانگر دومینو بودن مسائل و بحران‌های جامعه‌ای است که طنزنویس خود برخاسته از همین جمع و جامعه است.

به جد معتقدم که هنر و هنرمندی که فرزند زمانه خویش نیست و در قلمش هنر شفاف اندیشیدن به چشم نمی‌خورد و آگاهی به ارمغان نمی‌آورد راهی در ذهن و قلب آدم‌ها نخواهد یافت. یا دست کم همیشگی و دراز مدت نخواهد بود. کما اینکه اسطوره‌های بی‌بدیلی در این سرزمین آمده و رفته‌اند که رساتر از هر بمب‌افکن و خمپاره‌ای با کلام و بیان و شعر و طنز، روشنگر مردمان عصر خویش بوده‌اند. سعدی، عبید زاکانی، حافظ.

حافظ جان با رندی تمام می‌و مطرب محسوب را برای بیان اوضاع نابسامان

زمانه‌ی خفقان‌آور و بی‌ثبات خویش نشانه رفته است. حافظ، تاریخ عصر خویش را با نگاه نقادانه و طنز و گاه کنایه‌آمیز تحلیل کرده است. حافظ شاعر و نقاد و طنز و عاشق و ظلم‌ستیز، تنها مُشتی نمونه‌ی خروار است.

بیت زیر یکی از نمونه‌های طنزِ تلخ در دیوان خواجه است:

چو به هنگام وفا هیچ ثباتیت نبود / می‌کنم شکر که بر جور دوامی داری.

نمونه‌ای از طنز و رندی در بیت زیر مشهود است: گرز مسجد به خرابات شدم خُرده مگیر / مجلس وعظ دراز است و زمان خواهد شد.

نه حافظ شناسم نه حافظ پزوه، لیکن به عنوان کسی که از دور (خیلی دور) دستی بر آتش طنز دارم و حافظ را با تمام جانم می‌ستایم، بر این باورم که طنز و نقد دو عنصر اصلی اشعار تکرار ناشدنی خواجه‌ی راز است.

مبهرن است که در مقام توصیه و وصیت و نصیحت نیستم اما خود و هر کسی را در وادی طنز این جدی‌ترین نوع ادبیات نوشتاری قلم و قدم می‌زند توصیه می‌کنم به قلم زدنِ طنز نقادانه و شعور آفرین...

طنز و طنزنویس اگر چه قرار نیست یدِ اعجازگری باشد برای برون‌رفت از بحران‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و چه و چه... اما می‌تواند مطالبه‌گر و پرسشگر و منصف و منتقد باشد.

طنزنویس باید و باید صدای حق‌طلبی جامعه‌اش باشد.

نویسنده طنز باید حساب شده و منصف ببیند و بشنود و تحلیل کند و دستِ آخر بنویسد. که اگر غیر از این باشد به چاه بی‌بن و پپی لودگی خواهد افتاد.

کلام آخر فقط این باشد که طنزی که توأمان لیخند و آگاهی بیافریند طنزِ درخور است و لاغیر...